

## پیروزی جنبش گرسنگان در ایران را باید

### تضمین کرد! تنها ما می توانیم

بیانیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## بجنبید بدبختها!

فواد عبداللہی صفحه ۴

## زمانی برای نوستالژی دهه ۶۰

خسرو کشاورز

آنچه که در اعتراضات توده ای دی ماه ۹۶ به عنوان یک دست آورد مهم از آن یاد می شود این است که این اعتراضات توانست از دو قطبی اصلاح طلبی و اصول گرایی عبور کرده و راه دیگری را به جز صندوق های کنترل شده انتخابات در جمهوری اسلامی پیش پای توده ها بگذارد. ارزیابی اینکه توده های مردم معترض در خیابان ها توانستند از اصلاح طلبی عبور کنند فقط تحلیل ناظران و حاضران در این اعتراضات اخیر نیست. خود سران اصلاحات به این مساله واقف اند که دیگر نمی توانند با خط سیاسی که از دوم خرداد ۷۶ شروع شد، استراتژی شان را به پیش ببرند. از اعتراف های ابطحی و بیانیه جمعی بخشی از تیورسین های اصلاحات تا سیاست چماق و هویج تاجزاده بیانگر آن است که جبهه اصلاحات زیر فشار خیزش های اخیر در تلاش است تا از فروپاشی بیشتر در صفوف خود جلوگیری کند. اما همدلی ها و تذکراتی موردی بخش "رادیکال" جبهه اصلاحات که با تشکیل "کارگروه پیگیری بازداشت شدگان"، حمایت از مطالبات اقتصادی مردم و نصیحت های پدر و پسر به خامنه ای تا الان خود را نشان داده به معنای قرار گرفتن آن ها در جبهه اعتراضات نیست. از بیانیه مجمع روحانیون مبارز که با ریاست خاتمی در اوج اعتراضات تشکیل جلسه داد و با لحنی تند خواستار سرکوب مردم معترض شد ... صفحه ۲

اسلامی، بلکه سرنگونی بی قید و شرط آن است.

شکست کامل و تمام عیار جنبش اصلاح رژیم، بسته شدن پرونده تغییر گام به گام، "آرام"، از درون، مردود شدن و بی موضوع شدن همه نیروها و سازمانهای طرفدار اصلاح و اعتدال رژیم، پایه عروج خیزشی علیه کل حاکمیت بود.

وعده های پوچ "گشایش اقتصادی" برای طبقه کارگر و بخش محروم جامعه ارمغانی جز تحمیل فقر و فلاکت، بیکاری و گرسنگی میلیونی بیشتر، نداشت.

"گشایش سیاسی" و ورق پاره "حقوق شهروندی" دولت اعتدال چیزی جز تحمیل خفقان بیشتر به کمونیستها، شخصیتها و رهبران کارگری، زنان و جوانان به ارمغان نیاورد. ...

صفحه ۲

خیزش توده ای دیماه امسال، تنها های تکان های جنینسی غول گوشه ای از اعتراض مردمی بود مردمی است که پا به حیات که فقر و بیکاری، بیحقوقی و گذاشته است. باید به پیشواز تولد فقدان کوچکترین آزادیهای این نوزاد رفت. شرایط تکامل و اجتماعی و سیاسی آنها را به زندگی مستقلانه او را به قدرت ستوه آورده است. ده روزی که متحد و متشکل دهها میلیونی باردیگر، و این بار توسط تعرض مردم در ایران، فراهم کرد.

مستقیم و بدون واسطه تهیدستان و محرومان، سرنگونی جمهوری اسلامی را به مسئله اصلی و محوری جامعه و توده های به گذاشتن جنبش محرومان در تنگ آمده از جمهوری اسلامی خاورمیانه است. خودآگاهی این خیزش نسبت به خود، قد و قواره استعمارشدگان، تهیدستان و خود، دوستان و دشمنان خود،

محرومان جامعه، نسل جوانی که پیش شرط پیروزی آن است. زندگی اش تحت سلطه ارتجاع حاکم، دهه ها است به تساهلی کشیده شده است، اعلام کردند دیگر فقر، بیکاری، خفقان، ناامنی و در یک کلام حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی را تاکید داشتیم:

### واقعیات و مبانی خیزش

#### اجتماعی اخیر

- در ایران حکم رفتن فوری رژیم، با همه جناحها و نهادها و شخصیت هایش، را اعلام و در شیپور آن دمید.
- در دهه چهارم حاکمیت جمهوری اسلامی، گورکن این هیولا قد علم کرد و شیپور جنگ برای نابودی هیولا را به صدا درآورد.
- تحركات دیماه، تنها و تنها نشانه جمهوری اسلامی، تمام جناح ها و نهادهای نظامی و اقتصادی و سرکوب، سوار بر اقیانوسی از خشم و انزجار توده وسیعی از مردم محروم نشسته است. خواست مردم نه اعتدال و اصلاح حکومت

# آزادی برابری حکومت کارگری

زمانی برای نوستالژی ...

تا "کرکس" خواندن مردم توسط جلالی پور و در نهایت شاخ و شانه کشیدن های عباس عبدی نشانه های بارزی از کنار زدن شعارهای سانتی مانتال حمایت از "جامعه مدنی و زنده باد دموکراسی اصلاح طلبان است. برای نسلی که دهه شصت را تجربه نکرده نمی دانند که حجاریان حامی جامعه مدنی در دهه ۷۰ از بنیان گذاران وزارت اطلاعات بود و تئوری های شکنجه را تدوین می کرد و نبوی که سال ۸۸ و در کوران اعتراضات انتخاباتی دستگیر شد در ۳۰ خرداد ۶۰ از سردمداران چماق به دستان در خیابان های تهران بود و مردم را کتک می زد. دی ماه ۹۶ برای اصلاح طلبان همانند کاتالیزوری عمل کرد که نقاب از چهره بردارند و چهره دهه شصتی خود را نمایان سازند. شاید هیچ خطی اندازه خط حجاریان موضع تمام اصلاح طلبان را با تمام جناح هایش پوشش ندهد. او در چند روز اخیر در گفتگو با روزنامه شرق گفته بود-نقل به مضمون- که اکنون زمان آن فرا رسیده که اختلافات اصلاح طلبی و اصول گرایی را کنار گذاشته چون مساله بر سر حفظ نظام است. حجاریان اکنون تعارف ها را کنار گذاشته و بدون هیچ نقابی بر صورت صحبت می کنند. هیچ بعید نیست که اگر این خیزش سرآغاز یک حرکت انقلابی جدی در آینده شود، حجاریان نشسته بر ویلچر یک بلندگو در خیابان انقلاب در دست بگیرد و از پشت شیشه های دودی ماشینی که در آن نشسته فرمان آتش صادر کند. زیاد دور از ذهن نیست که همانند دهه شصت که بسیاری از سران اصلاحات-جبهه خط امامی ها در آن زمان- شال و کلاه کردند تا نیروهای انقلابی را در کردستان، ترکمن صحرا و خوزستان سرکوب کنند، این بار هم به یاد آن نوستالژی با همان شکل و شمایل چماق به دست بگیرند و معترضان را به خاک و خون بکشند.

اما تکرار تاریخ دهه شصت به این سادگی ها نیست؛ جنبش اخیر حکم به کندن گور جمهوری اسلامی و جناح هایش با همه شخصیت ها و ناشخصیت هایش داده است؛ جنبشی که در مقابل یک نظام تا دندان مسلح، حکم به رفتن حاکمین داده است؛ حق حیات را نمیتوان از این جنبش گرفت؛ از این نظر "خطر" جنبش ما جدی است. اصلاح طلبان هرچه سریعتر فکری به حال و روز خود و نظام شان بکنند. ارمان اصلاح طلبان انچنان قلابی و بی عمق است که حتی در مقایسه با آرزوی خلافت اسلامی هم جوهر غیر ممکن و غیر واقعی و پوشالی خود را نشان میدهد، تا چه رسد به تقابل با واقعیات جامعه. این را دیگر امروز بسیاری در صفوف خود اصلاح طلبان هم فهمیده اند. و تا آنجا که به بازماندگان این جناح بر می گردد: تسلیم شده و به خاک افتاده. چیزی از ان باقی نمانده.

بیانیه حزب...

قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه و رقابت های منطقه ای آن، تلاش برای گسترش نفوذ خود در منطقه، سوءاستفاده از مصائب مردم فلسطین، سوریه، یمن ..... مستقیماً به معنی تلاش برای تحمیل بیشترین اختناق و فقر به بخش اعظم جامعه بود. نشان داد پیشروی نظامی جمهوری اسلامی در منطقه تماماً در تناقض و تعارض با ابتدایی ترین نیازهای معیشتی میلیونی مردم و معادل تحمیل فقر و گرسنگی و سرکوب بیشتر است. نشان داد جمهوری اسلامی ممکن است در منطقه قدرتی قلدر و "غیر قابل مهار" و ... باشد اما در مقابل طبقه کارگر، مردم محروم، زنان و مردان آزادیخواه، در مقابل جامعه ای که به چیزی جز

آزادی، رفاه، امنیت، برابری و عدالت اجتماعی برای همه رضایت نمیدهد تا چه حد ضعیف و شکننده است.

**دستاوردهایی که باید حفظ**

**شوند**

خیزش دیماه، علاوه بر دست رد محکم محکومین بر سینه حاکمیت و جناح های درونی آن، بلکه تمام سناریوهای بورژوازی، نیروها و سازمانهایی که سالها بدنبال پروژه هایسی چون "انقلاب مخملی" و "رژیم چینج آرام"، "رفراندم" و "انتخابات آزاد" در حاشیه تحرکات میلیتاریستی دولت های غربی زیست میکردند، را هم به حاشیه راند! خیزشی که با تولد خود و رویارویی مستقیم با دشمن خود، جمهوری اسلامی، شکست سیزده سال تلاش نیروهای راست و حامیان منطقه ای و بین المللی آنان را هم اعلام کرد. جنبشی که با خواست سرنگونی و آزادی و رفاه به میدان آمد، اولین قدم با بلند کردن پرچم درد میلیونی مشترک گرسنگی و محرومیت و استبداد همزمان پرورنده قومی و مذهبی کردن جامعه، و زدن مهر قومی و مذهبی بر

پیشانی بخش های مختلف مردم، را هم بست. نشان داد که جامعه ایران نه قومی است و نه اسلامی، که طبقاتی است و قطب بندی های سیاسی و مبارزاتی حول قطب های طبقاتی شکل گرفته است. نشان داد که اکثریت محروم جامعه، زن و مرد، جوان و پیر حول رفاه، آزادی، برابری و برای عدالت اجتماعی متحد و قدرتمند به میدان می آیند. این صف، برای شکل دادن به انقلاب خود، به میدان آمده است و با وعده های پوچ و بی مایه طبقات دیگر و نمایندگان شان در حاکمیت و در اپوزیسیون، به خانه نخواهد رفت! غول از شیشه بیرون آمده و بازگرداندن آن به شیشه اگر غیرممکن نباشد به سادگی ممکن نیست. امروز بیش از هر زمانی انقلاب و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی توسط طبقه کارگر و مردم محروم به دستور جامعه آمده است. انقلابی که سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده بورژوازی در قدرت و جایگزینی آن با یک قدرت کارگری، را هدف خود قرار داده است. انقلابی که به دشمنی کل اپوزیسیون بورژوازی از ناسیونالیسم ایرانی پروغرب ... ←

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

تا ناسیونالیسم افراطی و قوم پرست... که هراس شان از طبقه کارگر و محرومان جامعه بیش از جمهوری اسلامی است، واقف است. و انقلابی که رهنمودهای ضد انقلابی به نام "خشونت نکنید" و راه حل های ارتجاعی "رفراندم"، "انتخابات آزاد"، "مبارزه مدنی"، "جامعه مدنی" و... را با تمسخر نگاه می کند و چشم انداز آینده ای انسانی و آزاد و برابر را در مقابل جامعه می کشاید. این جنبش، برای پیشروی، باید از امروز دوستان و دشمنان خود را بشناسد. جامعه را از گسترش نا امنی و "سوریه ای شدن ایران"، میترساند. ما و خیزش ما اعلام می کنیم که شرط اول تامین امنیت مردم ایران و مقابله با سوریه ای شدن ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط کل رژیم و نابودی همه دستگاه سرکوب آن است. این خیزش، نه جنبش جناحی از بورژوازی علیه جناح دیگر و جابه جایی عناصر بدخیم و بدنام با عناصر "خوش خیم" و "خوش نام"، نه جنبش قومی و مذهبی و نه برای صندوق رای و رفراندم، که برای رفاه و آزادی است. خواستی که تنها و تنها قدرت متحد و متشکل محرومین و محکومین

میتواند آن را به ارمغان بیاورد. این جنبش و خیزش می تواند سر آغاز انقلابی باشد که نه تنها به حاکمیت جمهوری اسلامی و بورژوازی در قدرت در ایران خاتمه دهد، بلکه محرک و مبشر انقلابات کارگری و سوسیالیستی در منطقه باشد.

### حزب حکمتیست و وظایف

#### فوری کمونیست ها

در این شرایط ویژه و حساس حزب حکمتیست وظایف عاجل زیر را در دستور خود قرار میدهد و همه کمونیستها در مراکز تولیدی، در دانشگاهها، در مدارس و محل های کار و زندگی و... را به پیشبرد این وظایف و رسالت تاریخی فرا میخواند.

۱- هیچ نیرویی جز کمونیستها قادر به پیروزی رساندن این جنبش نیست. تامین رهبری این جنبش و عبور دادن آن از تند پیچ ها، تامین استقلال سیاسی و قدرتمند کردن آن وظیفه امروز کمونیستها است.

۲- تجارب تاریخی و تجربه جنبش توده ای اخیر هم نشان می دهد که پیشروی جنبش و پیروزی آن در گرو اتحاد هر چه وسیع تر و تحزب کمونیست ها است. بدون کمونیستهای متحزب در راس اعتراض و مبارزه

طبقه کارگر و توده های محروم، نمیتوان از تثبیت پیشرویها و پیروزیهای آتی حرفی زد.

۳- متحد کردن هرچه وسیعتر شبکه رهبران عملی طبقه کارگر و سازماندهندگان اعتراضات، اولین وظیفه کمونیست ها برای تامین این رهبری است.

۴- افشا و خنثی کردن تلاش ها و تحرکات دولت برای مرعوب کردن جامعه و القای این دروغ جبهه‌ناکه که خیزش اجتماعی محرومان را سرکوب و به خانه فرستاده است، امری حیاتی و وظیفه جدی کمونیستها و رهبران صفوف مردم است. باید این حقیقت را به آگاهی جامعه تبدیل کرد که نه جمهوری اسلامی، رژیم سال ها و روزهای قبل از خیزش اجتماعی ده روزه اخیر است و نه مردم، همان مردم سابق. توازن قوا به نفع کارگران و زحمتکشان و محرومان و ازادخواهان و به ضرر دشمنان مردم تغییر کرده است.

۵- تقابل جدی با تلاشها و سناریوهای ارتجاعی نیروهای بورژوایی برای پایان دادن، مهار و هایجک کردن این جنبش.

۶- متحد و متشکل کردن مردمی که دیگر حاکمیت

جمهوری اسلامی را قبول نمیکنند. متشکل کردن مردم در محله و کارخانه، در دانشگاه و مدرسه، در هر محیط کار و...، در نهادها، انجمن ها، کانون ها، و ارگانهای توده ای مستقل خود.

۷- بالا بردن قدرت دفاع از خود مردم برای مقابله با نیروی سرکوبگر، مقابله با تعرض به کارگر معترض، زنان آزادیخواه، جوانان تشنه آزادی، مقابله در مقابل تعرض و شکار کمونیستها و رهبران و سازماندهندگان اعتراضات جاری.

بحرانها و خیزشهای توده ای بر مراتب عظیم تر و روزهای تعیین کننده ای در مبارزه و مقابله توده های محروم و طبقه کارگر با بورژوازی حاکم، در راه است. اما سرنوشت این جنبش، نه شکست و نه پیروزی آن، از پیش محتوم نیست. پیروزی در گرو ایفای نقش رهبران

کمونیست در ایران، کارگران کمونیست و طبقه کارگر است. باید این خشم و نفرت و غول عظیمی که سربلند کرده است را تا رسیدن به رهایی کامل از حاکمیت سرمایه پیش برد.

طبقه کارگر و در راس آن ما کمونیستها باید پیشروی و پیروزی این جنبش را تضمین کنیم. تضمین کنیم بر ویرانه های این رژیم یک جامعه سوسیالیستی که برابری، رفاه، امنیت و آزادی را برای دهها میلیون مردم به ارمغان می آورد، بنا خواهیم کرد. تضمین کنیم که انقلاب محرومین، به پیروزی خواهد رسید. تضمین کنیم که انقلاب بعدی، انقلاب کارگری خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸

**رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است. بیش از پیش صدق میکند.**

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

نشریه هکمت

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تلفن با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

## بجنبید بدبختها!

فواد عبداللهی



مقامات امنیتی دیروز و "تئورسین‌های" کیهان هدایت خردمندانه ایران آریایی را به عهده بگیرند. اسمش را هم گذاشته اند نظام غیر ایدولوژیک! تاریخ گذشته و معاصر در کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین آنقدر نمونه از این نوع نظامهای بازار آزادی و "غیر ایدولوژیک" مد نظر کیهان دارد، که متاسفانه آدم از فرط وفور در مزیقه می افتد: کودتای خونین پینوشه علیه دولت آلمند و قتل عام و تبعید صدها هزار سوسیالیست در شیلی؛ هدف "مقدس" پینوشه این بود که شیلی را نه به پرولتاریا بلکه به "کارآفرینان" بازگرداند!

کودتای خونین سرهنگان در یونان با کمک سازمان سیا و دولت موقت آمریکا با شعار "غیر ایدولوژیک": "سرزمین پدری، مذهب و خانواده"، که منجر به دستگیری، شکنجه و تبعید هزاران هزار کمونیست و شهروند یونانی شد. کشتار نیم میلیون کمونیست توسط سوهارتو، میزبان جادوی بازار و از مداحان فریدمن که با یک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت؛ توحش دولت بریتانیا تحت حکومت تاچر نسبت به ۲۴۰

در ایران، شروع به تارومار کردن این نوع تفکرات کرده است. اما چرا اینروزها از خامنه ای و روحانی و تاجزاده و عبدی و خاتمی زبان بسته تا رضا پهلوی و لوشده و کیهان لندن دخمه نشین و بی بی سی بازنشسته، همگی در مورد رویدادهای دیمه کمابیش مثل هم موعظه میکنند و ادیباتشان شبیه هم شده است؟! چرا همه تا این حد از این جنبش وحشت دارند؟! بجنبید بدبختها! خیزش دیمه محرومان در ایران میخی بود بر تابوت همه شما، چه در حاکمیت و چه در بیرون حاکمیت! چه با عمامه چه بی عمامه! کیهان لندن در این میان، اینبار پیه لات های آریایی و ناسیونالیست های عظمت طلب دو آتشه را در مقابل "خطر" کمونیسم و نقش طبقه کارگر ایران در تحولات آتی به تن مالیده است؛ اینکه جامعه ایران و "پرولتاریا" قرار است چه را جایگزین جمهوری اسلامی کند به کیهان ربطی ندارد؛ کیهان میخواهد صاف و ساده "مجلس عوام" در ایران به وجود بیاید و "لردهای اسلامی"، جای خود را به "لردهای آریایی" واگذار کنند؛ و به نظام "آزاد" بازار رضایت بدهیم و صورت باشیم. اجازه بدهیم

ابعاد خیزشهای دیمه در ایران برآستی آموزنده است؛ جایگاه واقعی این خیزش و خطر بلقوه و بلفعل آن را باید از زبان دشمنان طبقاتی اش شنید. تنها کیهان لندن مانده بود که لنگ لنگان به بهانه این خیزش خودش را خیس کند؛ این "هفتهنامه وزین" که تنها شایسته خدایبامر "جامعه مدنی" خاتمی و جلائی پور و "هم سفره چلوکباب علیرضا نوری زاده" در "حافظ لندن"، است، می فرماید: "بر سر" مستضعفان ایران در طول چهل سال گذشته همان آمده که بر سر "پرولتاریا" ی بلوک شرق! همگی پلکانی شدند برای به قدرت رسیدن یک گروه عقیدتی و ایدولوژیک که کشورهای خود را به سوی تجزیه و نابودی رهبری کردند. آنها چاره‌ای جز عبور از این نظامها ندارند." اهمیت این نوع موعظه‌ها در حد همان خطبه‌های نمازجمعه‌های جانوران اسلامی است! اینها، با همان حدت و شدتی که دیروز از "اردوگاه شوروی" یا "آزادی فقط برای..." حمایت می‌کردند و جهان را از پشت کلیشه‌ها می‌دیدند، امروز از دمکراسی و مرزبندی با ایدولوژی و غیره صحبت می‌کنند. تحولات شتابان اجتماعی و سیاسی

روشن است: زنده باد انقلاب کارگری؛ محو بردگی مزدی؛ زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا؛ زنده باد رفاه و خوشبختی؛

هزار کارگر معدن اعتصابی و خانواده های آنان را کم تر آدم غیر مغرضی می تواند فراموش کند. جولان لاتهای آریایی از نوع کیهان از این دست است! شاید یکی از مهمترین نتایج جنبش محرومان در دیمه امسال این بود که خالکوبی های این صف آریایی - اسلامی را کنار هم نمایان کرد: ایدولوژی بازار! پاسخ محرومین و طبقه کارگر در ایران به این صف ضد آزادی، ضد برابری و رفاه و حرمت انسان، کاملاً

حکمت را  
توزیع و  
پخش کنید